



University of Tabriz

# Iranian Islamic Period History

Online ISSN: 2717-2902

Volum: 14 Issue: 36  
Autumn 2023

Pages: 113-135

Article Type: Research Article

DOI: 10.22034/IIPH.2023.55281.2407

Received: 2022/02/07

Received in revised form: 2023/04/21

Accepted: 2023/05/15

Published: 2023/10/01

## Analyzing the Manifestations of Popular Religion (The Use of Istikhara During the Period of Naser Al-Din Shah to Muhammad Ali Shah Qajar)

Zahra Salimi<sup>1</sup> | Abbas Ahmadvand<sup>2</sup> | Sina Fourozesh<sup>3</sup>

### Abstract

One of the types of religiosity is the religiosity that is influenced by sometimes undocumented and populist beliefs and is called folk. Folk religiosity, like other types of religiosity, had social and cultural manifestations, one of which was resorting to istikhara and making micro and macro decisions as a result of it. In the Qajar era, Iran entered the modern world willingly or unwillingly and was influenced by the relations and special issues current in it. The ruling body, the government of men and even ordinary people who saw themselves in new conditions and times, for the peace of themselves or their dependents or to reduce the coefficient or the possibility of error in decision-making, they inevitably sought refuge in Istikhara, which they thought meant the reflection of the will of God, and that used as the basis for their decisions. Using the historical context approach and using documents and sources related to the field of religiosity, politics and the dominant public atmosphere, the present research examines the prevalence and functions of Istikhara, especially in the context of politics in the Qajar era, during the reign of Naser al-Din Shah until Muhammad Ali Shah has investigated. The research shows that the causes and reasons such as the individual and authoritarian nature of the government, lack of public trust, the low level of awareness of various classes, spiritual and individual needs, fear of facing the results of wrong decisions, justifying oneself and others, achieving peace and avoiding Hesitation and of course escaping the responsibility of big decisions and attributing it to God has caused the prevalence of Istikhara in the discussed time period.

**Keywords:** Qajar Dynasty, Naser al-Din Shah, Muhammad Ali Shah, religion and government, Istikhara, political Istikharas, Popular Religion (Common religiosity).

<sup>1</sup> Ph.D Candidate in Islamic History, Islamic Azad University, Science and Research Department, Tehran, Iran  
zahra.salimi69@gmail.com

<sup>2</sup> Associate Professor, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran (Corresponding Author)

a.ahmadvand@sbu.ac.ir

<sup>3</sup> Associate Professor, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran

sinafourozesh@gmail.com



## واکاوی مظاهر دین‌داری عوامانه (کاربرد استخاره در دوره

### ناصرالدین شاه قاجار تا محمدعلی شاه)

زهرا سلیمی | عباس احمدوند | سینا فروزش<sup>۲</sup>

#### چکیده

یکی از انواع دین‌داری، دین‌داری‌ای است که تحت‌تأثیر باورهای بعضاً غیرمستند و عوام‌گرایانه قرار گرفته و به اصطلاح عامیانه نامیده می‌شود. دین‌داری عامیانه مانند دیگر انواع و اقسام دین‌داری مظاهر و تجلیاتی اجتماعی و فرهنگی داشت که یکی از آنها، توسل به استخاره و تصمیم‌گیری‌های خرد و کلان بر اثر آن بود. در عصر قاجار، ایران خواه‌ناخواه وارد دنیای مدرن شد و تحت‌تأثیر مناسبات و روابط و مسائل خاص جاری در آن شد. هیئت‌حاکمه، دولت‌مردان و حتی مردمان عادی که خود را در شرایط و زمانه تازه‌ای می‌دیدند، برای آرامش خود یا وابستگانشان و یا پایین آوردن ضریب یا احتمال خطا در تصمیم‌گیری، ناگزیر به استخاره که به معنای انعکاس اراده خداوندش می‌پنداشتند، پناه می‌بردند و آن را مبنای تصمیمات خود قرار می‌دادند. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از رویکرد زمینه‌شناسی تاریخی و استفاده از اسناد و مدارک و منابع مربوط به حوزه دین‌داری، سیاست و فضای غالب عمومی، رواج و کارکردهای استخاره، به‌ویژه در بستر سیاست را در عصر قاجار، در بازه زمانی سلطنت ناصرالدین شاه (حک: ۱۲۶۴-۱۳۱۳ق) تا محمدعلی شاه (حک: ۱۳۲۴-۱۳۲۷ق) مورد بررسی قرار داده‌است. بررسی‌های صورت‌گرفته نشان می‌دهد علل و دلایلی چون ماهیت فردی و استبدادی حکومت، عدم اعتماد عمومی، پایین بودن میزان آگاهی طبقات گوناگون، نیازهای روحی و فردی، ترس از مواجهه با نتایج تصمیمات غلط، توجیه خود و دیگران، رسیدن به آرامش و پرهیز از تردید و البته فرار از مسئولیت تصمیمات بزرگ و انتساب آن به خداوند، موجب رواج استخاره در دوره زمانی موردبحث بوده‌است.

**واژگان کلیدی:** قاجاریه، ناصرالدین شاه، محمدعلی شاه، دین و دولت، استخاره، استخاره‌های سیاسی، دین‌داری عامیانه.

zahraa.salimi69@gmail.com

a.ahmadvand@sbu.ac.ir

sinaforoozesh@gmail.com

۱. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

۲. دانشیار دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

۳. دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران

## مقدمه

باورها و اعتقادات دیرینه‌ای به درازنای تاریخ بشری دارند و نشانه‌هایی از وجود آن‌ها حتی از دوره غارنشینی باقی مانده‌است و ادیان آسمانی یکی از مهم‌ترین منابع تثبیت باورهای دینی در بین جوامع بوده‌اند. با توجه به ماهیت انسان و گرایش وی به توسعه باورها بر اثر عوامل و دلایل مختلف، بخشی از باورهای عامیانه با گذر زمان به‌عنوان گزاره‌های دینی و باورهای قطعی شناخته می‌شوند. بر همین اساس یکی از مهم‌ترین وظایف کارشناسان و عالمان دینی تشخیص و تبیین سره از ناسره و حفظ کیان دین از این‌گونه حذف و اضافه‌هاست. دین‌داری عامیانه به صورتی از دین در برابر دین رسمی اطلاق می‌شود که شامل مجموعه‌ای از باورهاست که ظاهری دینی دارند. دین رسمی نیز دینی است که رسماً مورد حمایت و تأیید شده یک حکومت است.

از طرفی استخاره نیز عملی شناخته‌شده در جامعه مذهبی است که در میان مسلمانان رایج بوده و برخی اعتقاد راسخی بدان دارند. استخاره آداب و سنن خاص خود را دارد و حوزه کاربردی آن بسیار محدود است. این امر مهم درباره امور ارزش‌مند توصیه می‌شود و توسعه آن به کارهای پیش‌یافتاده و روزمره نشانگر ضعف و ناتوانی و در تضاد با خردورزی است.

در دوره قاجار (۱۲۱۰-۱۳۴۴ق) استخاره رونق فراوانی گرفت و با فزونی کاربرد آن، این سنت که ریشه در دین رسمی داشت به سمت وسوی دین‌داری عامیانه کشانده شد و در کنار برخی دیگر از باورهای مردمی مانند فال‌گیری و دعانویسی در بین حاکمان و مردمان رواج یافت و در پی آن در بسیاری از موارد تصمیم‌گیری در امور زندگی به تقدیر و سرنوشت سپرده شد و از دیگر سو عقاید و باورهای عامیانه در سطح جامعه و در میان مردمان آن عصر رونق یافت.

استخاره توجه برخی از پژوهشگران را به خویش جلب کرده و آثاری در این زمینه به نگارش درآمده‌اند: مدخل «استخاره» در *دائرةالمعارف اسلام* چاپ لیدن،<sup>۱</sup> مدخل «استخاره»

<sup>۱</sup>S.V Istikhara, In the *Encyclopaedia of Islam*, 2nd dition, E.J.Brill, Leiden, 1960-2002.

در *دائرةالمعارف بزرگ اسلامی*، پایان‌نامه مصطفی اقلیمی با عنوان *استخاره در منابع شیعه و عامه*<sup>۲</sup> از آثاری هستند که به استخاره و جنبه‌های مختلف آن پرداخته‌اند. نقش *استخاره‌های سیاسی در پی‌ریزی خاورمیانه جدید* عنوان کلان‌پروژه‌ای است که بخشی از آن با عنوان *حیرت زمینی و یقین آسمانی* در حال انجام است.<sup>۳</sup> ابراهیم موسی‌پور کتابی تحت عنوان *دین زیسته و زندگی روزانه* نگاشته که در آن به تعریف دین‌داری عامیانه پرداخته و نشانه‌های آن را تفسیر کرده‌است. وی در این اثر به‌طور مختصر و در دو صفحه به استخاره و استفاده مردم از آن اشاراتی داشته است.<sup>۴</sup> در مقاله‌ای با عنوان «چند استخاره از محمدعلی شاه با جواب‌های آن‌ها»<sup>۵</sup> و «اسناد تاریخی دوره قاجاری، محمدعلی شاه قاجار استخاره می‌کند» اسنادی درباره استخاره‌های این شاه قاجاری (محمدعلی شاه) ارائه شده‌است.

پژوهش پیش رو در پی یافتن چرایی دست‌یازی حاکمان دوره قاجار به‌ویژه دوره ناصرالدین‌شاه (حک: ۱۲۶۴-۱۳۱۳ق) تا محمدعلی شاه (حک: ۱۳۲۴-۱۳۲۷ق) به استخاره با روش توصیفی و تبیینی و به شیوه گردآوری کتابخانه‌ای است. از آن جهت که حکومت ناصرالدین‌شاه، مظفرالدین و محمدعلی شاه هم‌زمان با دوام و بقای سنت‌های دین‌داری عامیانه، دوران اوج روابط بین‌الملل با محوریت و موضوعیت یافتن هرچه بیشتر ایران در تصمیم‌سازی‌های مهم جهانی بود، این حاکمان را ناگزیر از اخذ تصمیماتی با ریسک بالا می‌نمود. با توجه به این مسئله این دوره به‌عنوان بازه زمانی پژوهش حاضر انتخاب شد.

## ۱. دین‌داری عامیانه و نشانه‌های آن

دین در همه جوامع بشری حضور داشته و با نهادهای دیگر در تعامل بوده‌است. دین در

۱. عبدالامیر سلیم، *دائرةالمعارف بزرگ اسلامی*، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۰ تاکنون.

۲. مصطفی اقلیمی، *استخاره در منابع شیعه و عامه*، به راهنمایی حجت‌الله حقگو، دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۹۵.

۳. عباس احمدوند، *حیرت زمینی و یقین آسمانی*، نقش استخاره‌های سیاسی در پی‌ریزی خاورمیانه جدید.

۴. ابراهیم موسی‌پور بشلی، *دین زیسته و زندگی روزانه* (پژوهشی در فرهنگ دینی مردم عادی ایران از آغاز عصر صفوی تا پایان دوره قاجار)، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام، ۱۳۹۵.

۵. احمد توکلی، «چند استخاره از محمدعلی شاه با جواب‌های آن‌ها»، *یادگار*، سال ۵، شماره ۸ و ۹، فروردین و اردیبهشت، ۱۳۲۸.

۶. «اسناد تاریخی دوره قاجاری، محمدعلی شاه قاجار استخاره می‌کند»، *ایران‌نامه*، شماره ۷، صص ۵۰۲-۱۶، بهار ۱۳۶۳.

سیاست، فرهنگ، اقتصاد، خانواده، رفتارهای اجتماعی و در همه حوزه‌ها وارد شده و اثرگذار بوده‌است. گونه‌های مختلف دین‌داری از موضوعات مهمی است که در دوره‌های مختلف تاریخی مورد توجه قرار گرفته و مطالعات متعددی درباره آن انجام شده‌است. منظور از انواع دین‌داری، راه‌ها و شیوه‌های مختلفی است که یک دین‌دار، برای رسیدن به رستگاری و رشد معنوی انتخاب می‌کند. باور بر این است که از جنبه‌های عملی و نظری، دین‌داری گونه‌های مختلفی دارد. نوع اندیشه و باور انسان به خدا، پیامبر، رستاخیز و احکام فردی و اجتماعی زندگی دینی و یا چگونگی رفتارهای وی در دنیا نوع دین‌داری وی را مشخص می‌کند و براین اساس دین‌داری به دسته‌های مختلفی تقسیم می‌گردد.

در مورد دین‌داری عامیانه تعاریف گوناگونی ارائه شده‌است. از آن جمله تعریف‌ها می‌توان به‌طور خلاصه به این موارد اشاره کرد: براساس نگرش قرون وسطایی دین عامیانه در برابر گونه‌ای از دین‌داری‌ای است که به آن دین راست‌کیشی یا رسمی می‌گویند و چون به‌نوعی از دین رسمی انحراف و جدایی دارد، منفی نیز خوانده می‌شود. مرز میان دین عامیانه و رسمی را این‌گونه می‌توان بیان کرد که منظور از دین رسمی، دینی مبتنی بر درک و دریافتی درست از مبانی و منابع شریعت که عالمان و متخصصان دین باید آن‌ها را آموزش بدهند و پاسداری کنند و یا اینکه مردم در جایگاه‌ها و مناصب معین می‌توانند اعمال خاصی را انجام دهند که به‌لحاظ دینی الزامی و از لحاظ فقهی درست باشد و این اصطلاح رسمی برای چیزی به کار برده می‌شود که مشروعیت داشته باشد. در موقعیت متقابل، دین عامه دین زیسته مردم به‌عنوان انحرافی از دین حق و اصلی قلمداد می‌گردد که مبتنی بر درک و دریافتی نادرست یا آمیخته به انحرافات و خرافات است که عوام برخلاف آموزش‌های خواص این نادرستی‌ها را به باورها و زندگی دینی خود راه داده‌اند. لانگ در بحثی که در مورد دین‌داری عامیانه‌شده به تفکیک دین‌داری شهری و روستایی اشاره می‌کند. طبق این رویکرد دین عامیانه با محتوای دین ابتدایی و دین محلی پیوند نزدیک برقرار کرده‌است. تمایز میان دین روستایی و محلی با دین شهری در دوره‌های صنعتی، مبنای تعریف او از دین عامیانه بوده‌است. دین عامیانه را همچنین می‌توان مجموعه‌ای مشترک از شعائر، نمادها و عقاید که در خدمت ایجاد احساس فراگیر وحدت، حتی در جامعه‌ای که غرق نزاع و

برخورد است، دانست. در این تعریف به دینی اشاره رفته که در میان همه مردم مشترک است (Long, 1987: 445; Vrijhof, 1979:2).

این دین تحت تأثیر عوامل غیرمعرفتی همچون عوامل ارثی، جغرافیایی، تاریخی، اجتماعی و گاه تقلید و عادت بوده است. از ویژگی‌های عمده این نوع دین‌داری تمرکز بر مناسک و انجام مراسم دینی مانند دعاهای دسته‌جمعی، روضه‌خوانی، نذرکردن، قربانی و روشن کردن شمع است و انجام آن‌ها مایه افتخار به حساب می‌آید. مسائلی مانند مریضی، بدشانسی و مانند این‌ها در این نوع دین‌داری مهم تلقی می‌شوند و برای آن‌ها راهکارهایی ارائه می‌شود. در واقع دین عامیانه با شکل‌های مختلف خود، یکی از زمینه‌ها برای رهایی افراد از اضطراب حاصل از حیات اجتماعی را فراهم می‌کند. در این نوع از این دین‌داری خدا برای خود، متعلق به فرقه خود و نامهربان با دیگران و کم‌توجه به مشترکات آدمیان به تصویر کشیده می‌شود. با توجه به خطراتی که در زیست اجتماعی انسان وجود دارد برخی از انسان‌ها این نوع دین‌داری را منطقه امن پنداشته و بدان معتقد می‌شوند و کنش‌های ایشان در نهایت به توسعه این نوع از دین‌داری می‌انجامد. با توجه به حجم زیاد باورها و رفتارها و آموزه‌های خارج از سنت هنجارین دین رسمی، در میان مردم تکرار و این واهمه شکل می‌گرفت که رفته‌رفته به جای اجزای هنجارین و رسمی بنشینند و به صورت بخشی از آموزه‌های اصیل و واجب‌الاعتقاد درآیند. دین عامیانه چیزی را شکل می‌دهد که مردم همان را به‌عنوان دین راستین تلقی می‌کنند. با توجه به مطالب یادشده می‌توان گفت برخلاف دین رسمی که در جستجوی حقیقت هستی است، دین عامه بر روی حل مسائل زندگی روزمره تمرکز دارد. (سروش، ۱۳۷۸: ۲۳-۲۴؛ موسی‌پور، ۱۳۹۵: ۵۰ و ۶۰؛ بکفورد، ۱۳۸۹: ۲۴؛ Shaw, 1999: 75; Kapalo, 2006: 19; Craig, 2008: 18).

این نوع دین‌داری ویژه دوره خاصی نیست و در هر دوره و زمانی می‌توان نمونه‌هایی از آن را در جوامع دینی یافت. برای نمونه در دوره فعلی و در جامعه شیعی می‌توان از سنت عریضه‌نویسی در جمکران به‌عنوان یکی از نشانه‌های دین‌داری عوامانه یادکرد. عریضه‌نویسی نوعی بیان حاجت به امام معصوم است که در قالب نوشتن حاجت بر روی کاغذ و انداختن آن در چاه مخصوصی انجام می‌شد. عریضه‌نویسی کنشی دینی است که با

نیت رسیدن به دستاوردهای عینی همچون زندگی خوب یا برطرف‌شدن مشکلاتی همچون بیماری‌ها و کمبودها رخ می‌دهد (سلامی و طالبی، ۱۳۹۵: ۲-۶).

دعانویسی نیز از دیگر سنت‌هایی است که در این عرصه خودنمایی می‌کند. خاستگاه این سنت یعنی دعا در منابع دینی جایگاه مهمی دارد و بخش قابل‌توجهی از متون دینی به دعا و شرایط و آثار آن اختصاص یافته‌اند؛ ولی رفته‌رفته برخی از افراد جامعه با گذر از شکل و شمایل اصلی آن مسیر دیگری را پیموده و با استفاده از گرفتاری‌ها و کمبودن سطح اندیش‌مندی و آگاهی مردم آن را به‌عنوان مسیر تجاری شناخته و رونق بخشیده‌اند. دامنه فعالیت دعانویسان بسیار گسترده است و از مسائل فردی، روابط خانوادگی و مسائل اقتصادی تا مسائل کلان را دربر می‌گیرد. مراجعه به دعانویس و متخصص دانستن دعانویس با تصویر دیگری از مفهوم دعا همراه است. در این باور دعا به‌مانند پلی است که زندگی از هم‌گسیخته را ترمیم می‌کند، پلی که حکمت را به اتفاقات زندگی روزمره باز می‌گرداند (خالق‌پناه و دیگران، ۱۳۹۵: ۲-۱۰).

همان‌گونه که اشاره رفت استخاره که خاستگاهی دینی دارد و در منابع اصیل دینی از آن یاد شده در برخی از دوره‌ها و از سوی برخی از کسان تغییر کاربری داده و به حیثه دین‌داری عوامانه وارد شده‌است. ورود این عنصر به باورهای مردم عادی اثرات خاص خود را دارد، ولی وقتی این باور به دربار و صاحبان قدرت سرایت کرده و در تصمیم‌گیری‌های سرنوشت‌ساز آن‌ها رخنه می‌کند آثار مخرب آن بسیار بیشتر و گاه غیرقابل‌جبران است. همان‌گونه که پیش‌تر اشاره رفت نوشتار پیش رو بر آن است تا شواهدی از شیوع این نماد از دین‌داری عامیانه را در دوره خاصی از عهد قاجار در بین درباریان و ارکان حکومتی ارائه و تحلیل کند.

## ۲. استخاره در عصر قاجار

### ۲-۱. مفهوم استخاره

ابن‌اثیر واژه «استخاره» را چنین تعریف کرده‌است: خیر، ضد شر است و استخاره طلب خیر در چیزی است، یعنی باب استفعال از کلمه خیر. گفته می‌شود: از خدا طلب خیر کن تا

خدا برای تو خیر بخواهد؛ و از همین باب است دعای استخاره: «خدایا برای من اختیار کن»؛ یعنی از میان دو امر، شایسته‌ترین آن را برای من برگزین و خیر مرا در آن قرار بده (ابن اثیر، ۱۳۶۴، ج ۲: ۹۱).

این واژه در روایات و احادیث معمولاً در دو معنا به کار برده می‌شود؛ معنای عام آن بیشتر به معنی طلب خیر از خداوند متعال است. چون که عاقبت و فرجام تمام امور در اختیار قدرت اوست. در دعایی کوتاه از امام سجاد (ع) در باب طلب خیر چنین می‌خوانیم: «بار خدایا، من به سبب آگاهی‌ات [از خیر و شر] از تو خیر و نیکی درخواست می‌کنم. پس بر محمد و آل او درود فرست و خیر و نیکی را برایم مقدر فرما و شناخت و اختیار و برگزیدن را به ما الهام کن.» (صحیفه سجاده، ۱۴۰۴: ۳۴) در معنای خاص این‌گونه است که شخص مؤمن با انجام یک‌سری اعمال می‌خواهد بداند عملی که می‌خواهد انجام دهد نتیجه مثبتی دارد یا نه. این استخاره در میان مردم و عموم رایج و با روش‌های مختلفی چون استخاره با قرآن، تسبیح، رقع، بندق انجام می‌شود. امروزه استخاره با قرآن از مشهورترین روش‌های آن است و روایات متفاوتی درباره آن وجود دارد. کهن‌ترین کتابی که روش استخاره با قرآن را بیان می‌کند، تهذیب‌الاحکام شیخ طوسی است که از امام صادق این‌گونه نقل کرده‌است: «انسان وقتی به نماز می‌ایستد شیطان از او بسیار دور است، در آن موقع بین چه تصمیم و نظری در تو پیدا می‌شود به همان عمل کن و قرآن را بگشا و اول آیه آن را بخوان و به همان عمل کن» (طوسی، ۱۳۶۵، ج ۳: ۳۱۰).

در مجموع و با توجه به همه آیات و روایاتی که در مورد استخاره موجود است و ذکر آن‌ها در این پژوهش مقدور نیست، اصل استخاره همان طلب خیر از خدا با دعا و نماز است که در منابع دینی بر آن تأکید شده و دلایل معتبری نیز برای آن ارائه شده‌است. سند روایت‌هایی که استخاره به معنای طلب خیر از خدا را بیان کرده‌اند قوی و مورد اطمینان است، درحالی‌که روایات استخاره با انجام اعمالی خاص با اسنادی ضعیف آمده و از منبع اطمینان‌آوری هم گزارش نشده‌اند.

## ۲-۲. سنت استخاره در عصر قاجار

با وجود ماهیت دینی استخاره و یادکرد آن در روایات امامان و وجود گزارش‌هایی از



استفاده مسلمانان از آن به هنگام تردید در تصمیم‌گیری‌های خود در دوره‌های مختلف<sup>۱</sup>، نگاهی به منابع دوره قاجار نشان‌دهنده تحول در کاربرد این سنت دینی در این دوره تاریخی است به‌گونه‌ای که می‌توان مدعی شد این عمل در دوره قاجار از کارکرد خویش در دین رسمی خارج و در دایره دین عامیانه وارد شده بود. استخاره گرفتن که در اصل با نیت رسیدن به یک دستاورد مفید آن هم بعد از استفاده از عقل و مشورت با افراد آگاه بود، در این زمان به‌عنوان راهی برای برطرف‌شدن بسیاری از مشکلات، سختی‌ها، بیماری‌ها و تصمیم‌گیری در عرصه‌های مختلف مهم و غیرمهم شناخته شده و عمومیتی چشمگیر یافته بود.

براساس برخی از داده‌ها در این دوره کارهای بسیاری با استخاره انجام می‌گرفت. مردم حتی برای دانستن نیک یا بد بودن سال نو، فراوانی نعمت یا کاستی و خشک‌سالی و رویدادهای خوش یا ناگوار به استخاره پناه می‌بردند و با برهم‌زدن چند ورق از قرآن و یا شمردن دانه‌های تسبیح این امور را تدبیر می‌کردند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۹۰: ۷۱۹). مردم این دوره، هنگامی که قصد دیدن کسی را داشتند، یا هنگام بیماری و خوردن دارو و یا زمانی که قصد سفر و حتی خرید اشیاء کم‌ارزش را داشتند، نخست استخاره می‌کردند. معمولاً استخاره در این زمان با دو روش رجوع به قرآن و انداختن دانه‌های تسبیح صورت می‌گرفت و نتیجه آن برای مردم بسیار مهم بود؛ مردم در آن زمان با انداختن تعدادی دانه‌های تسبیح به‌طور تصادفی، دانه‌ها را از هم جدا کرده و به‌ترتیب با گفتن «خوب، میانه، بد» دانه‌ها را حرکت می‌دادند و هر کلمه‌ای که با آخرین دانه تسبیح گفته می‌شد، جواب استخاره بود. شیوه دیگر گرفتن استخاره با قرآن بود. این‌گونه که موضوع موردنظر را روی کاغذی می‌نوشتند بدون

۱. ازجمله روایاتی که استخاره را مشورت با خدا آورده، می‌توان به روایتی از امام صادق (ع) اشاره کرد. ایشان فرمودند که هر کاری که قصد داری انجام دهی قبل از مشورت با هرکس با خدا مشورت کن. پرسیدند چگونه؟ فرمود: صد بار بگو «از خدا طلب خیر می‌کنم». بعد با مردم مشورت کن که خداوند خیر تو را بر زبان هرکس که دوست دارد می‌نهد. همچنین مردی خدمت ایشان آمد و عرضه داشت: جانم فدایت، من گاهی کاری را انجام می‌دهم بعد پشیمان می‌شوم. فرمود چرا استخاره نمی‌کنی؟ عرضه داشت: چگونه؟ فرمود: پس از نماز صبح چون دست خود برابر صورت می‌گیری بگو: «خداوندا تو می‌دانی و من نمی‌دانم و تو بر غیب‌ها آگاهی، پس بر محمد و آل او درود فرست و در آنچه مورد عزم و اراده من است خیر و برکت و عاقبت قرار ده»، بعد سجده کن و در آن صدبار بگو: «استخیر الله برحمته، استقدر الله فی عاقبة بقدرته». بعد از آن حاجت تو برآید که به‌رحال خیر تو در آن باشد و خدا را در آنچه می‌کنی متهم مکن (طبرسی، ج ۲، ۱۳۶۵: ۱۱۳-۱۱۷).

آنکه کسی از محتوای آن خبر داشته باشد. آنگاه آن را پیش ملّایی می‌فرستند و ملّا دعایی زیر لب می‌خواند و نوشته را لای صفحات قرآن به صورت تصادفی قرار می‌داد و بعد از خواندن دعا، صفحه موردنظر را باز کرده و اولین جملات را از صفحه قرائت می‌کرد. اگر این کلمات مربوط به وقایع خوشایندی باشند، روی کاغذ می‌نوشت «بکنید» و در غیر این صورت در همان‌جا می‌نوشت «نکنید» و کاغذ را به درخواست‌کننده استخاره برمی‌گرداند تا مطابق مشیت الهی اقدام کند (وهوسه، ۱۳۶۳: ۱۶۶؛ سرنا، ۱۳۶۲: ۹۵).

### ۲-۳. کارکرد استخاره در امور حکومتی

شاهان قاجار رابطه با عالمان دینی را متناسب با نیازهای دوران حکومت و زمانه خویش تنظیم کرده و بهره خویش را از دین می‌جستند. براساس داده‌های تاریخی استخاره در امور حکومتی در این دوران رواج داشت. شاه و دیگر مقام‌های دربار به‌جای استفاده از عقل و به‌کارگیری مشاوران کاردان به استخاره پناه می‌بردند و نتیجه این رویکرد عقل‌گرایی در این دوران به‌شدت تضعیف شده و جهل و خرافه بر کشور حاکم شد (سریع‌القلم، ۱۳۸۰: ۳۳). نکته قابل‌درنگ این است که این رویداد هم‌زمان با آغاز مدرنیته و تحول شگرف در تکنولوژی و صنعت انجام می‌شد درحالی‌که نشانه‌ها و برخی از نتایج و محصولات آن به ایران نیز راه‌یافته بود؛ اما در کمال ناباوری در درون و برون دربار بساط رمل، فال‌گیری و استخاره (با روش عامیانه) گسترده بود به‌گونه‌ای که برخی قاجاریه را مروج آیین هر چیز ممکن معرفی کرده‌اند (ردنر، ۱۳۷۳: ۹۶). گرفتاری در جنگ‌های بزرگ چون جنگ ایران و روس (۱۲۱۸-۱۲۲۸ و ۱۲۴۱-۱۲۴۳ق) و تحمیل قراردادهای سهمگین گلستان و ترکمانچای و همچنین استبداد و بی‌سوادی حاکمان نیز در ترویج خرافات و نیز دست‌یازی به امور غیرعادی بی‌تأثیر نبود.

نشانه‌های رواج استخاره در دربار و در امور مهم حکومتی را در برخی از گزاره‌های مربوط به احکام حکومتی مانند ماندن یا رفتن شاه از مسند حکومت، عزل و نصب‌ها، قبول و یا رد استعفاها، برخورد سهمگین با مجلس می‌توان مشاهده کرد. گزارش‌هایی از استخاره شاهان مختلف قاجار در این امور در دست است که از آن جمله می‌توان به استخاره‌های ناصرالدین‌شاه برای واگذاری حکومت فارس به شاهزاده جلال‌الدوله و یا انتصاب بهرام میرزا



اطرافیان شاه توانستند استخاره را طبق نقشه خود به پیش ببرند. حکیم‌الملک و معیر‌الممالک از پیش سید بحرینی را که در مزاج شاه نفوذی بسزا داشت و شاه را به او عقیدتی خاص بود، دیده و ترتیب استخاره را چنین داده بودند که حکیم‌الملک پشت صندلی شاه بایستد تا اسمی را که شاه بالای قرآن می‌گذارد، ببیند. سید بحرینی هم حین انجام تشریفات استخاره به بالا بنگرد و از اشاره مثبت و یا منفی او تکلیف را بداند. با این اقدامات بود که امین‌السلطان برای دومین بار بنا به خواست و منفعت اطرافیان و از مسیر استخاره مقام صدارت مظفرالدین‌شاه را به چنگ آورد (سپهر، ۱۳۸۶، ج ۱: ۷۸ و ۵۴۲؛ افشاری، ۱۳۸۳: ۱۴۵). همچنین سید علی یزدی یکی از ملاهای زمان مظفرالدین‌شاه که مورد توجه شاه و اندرون بود برای شاه و حرمسرا در موضوع‌های مختلف استخاره می‌نمود و دعا می‌نوشت (دولت آبادی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۲۳۱).

براساس گزارشی، امین‌الدوله از صدراعظم‌های دوره مظفری در کارهای خود بسیار استخاره می‌نمود از آن جمله به استخاره او زمانی که می‌خواست بهبود مناسبات و مصالح ایران و انگلیس را به سفیر دولت ابلاغ کند، می‌توان اشاره کرد (فریزر، ۱۳۶۴: ۱۰۹).

محمدعلی شاه (حک: ۱۳۲۴-۱۳۲۷ق) نیز پایه بیشتر کارهای خویش را بر استخاره گذاشته و در این راه، گوی سبقت را از نیاکانش ربوده بود. نکته قابل توجه درباره استخاره‌های وی این بود که مسئولیت انجام آن برعهده کسی بود که از افکار و نظرات شاه آگاه بود و آیات قرآنی را با توجه به نظر شاه تفسیر می‌کرد. حاج سید ابوطالب زنجانی از عالمان بزرگ آن دوره متصدی استخاره‌های شاه بود. محمدعلی شاه در لحظه تردید، نظر و نیت خود را روی کاغذ نوشته و برای حاج سید ابوطالب می‌فرستاد و از او تقاضا می‌کرد که عین آیه را همراه با تفسیر برایش بفرستد. در کتابخانه مجلس یک مجموعه خطی دربردارنده بیست‌ویک درخواست استخاره از سوی محمدعلی شاه موجود است. این استخاره‌ها همه به جز یکی به خط شاه است و پاسخ‌ها همه از شیخ ابوطالب زنجانی مجتهد و با خط وی ذیل استخاره‌ها و یا بر روی کاغذ جداگانه‌ای آمده‌است. محمدعلی شاه چون تصمیم به تغییر میرزا حسن خان مشیرالدوله از وزارت علوم و میرزا حسین خان مؤتمن‌الملک از وزارت تجارت و همچنین میرزا حسن خان مستوفی‌الممالک از وزارت جنگ را داشت،

درخواست‌های خود را برای مجتهد زنجانی می‌نوشت و از وی می‌خواست برای هر کدام استخاره‌ای بگیرد تا شاه براساس آن، افراد ذکرشده را تغییر بدهد (غفاری کاشانی، ۱۴۰۴: ۵۲۷؛ مرادی‌نیا، ۱۳۸۴، ج ۱: ۲۸).

اسناد نمونه‌هایی از استخاره‌های شاه در امور مهمی مانند استعفا از سلطنت، به توپ بستن مجلس، دستگیری ملک‌المکلمین، سید جمال‌الدین اصفهانی و میرزا جهانگیرخان صوراسرافیل موجود است که برخی از آن‌ها به اختصار ارائه می‌شود:

أ. بسم الله الرحمن الرحيم. پروردگارا اگر من عجالاً با همین وضعی که دارم در سلطنت و پادشاهی بمانم و صبر کنم و تحمل نمایم عاقبت برای من خوب است و نتیجه خیر خواهد داد که استخاره خوب بیاید، جواب میرزا زنجانی بسیار خوب آمد.

ب. بسم الله الرحمن الرحيم. پروردگارا اگر من امشب توپ به در مجلس بفرستم و فردا با قوه جبری مردم را اسکات نمایم خوب است و صلاح است استخاره خوب بیاید. میرزا زنجانی جواب را این‌گونه نوشت: حکم خداوندی به موسی و هارون شد بروید نزد فرعون و بگوئید ما فرستاده خدا هستیم به‌سوی تو، سابق آیه هم می‌فرماید نترسید ما با شما هستیم. این کار باید اقدام بشود غلبه قطعی است اگرچه در اول زحمت داشته باشد.

ج. بسم الله الرحمن الرحيم. پروردگارا اگر حکم تبعید میرزا علی ثقة‌الاسلام را از تبریز بدهم صلاح است استخاره خوب بیاید. میرزا زنجانی نوشت بسیار خوب است؛ لیکن زمان را چهار قسم است هرگاه فرض کنیم قسمت اول و دوم در نهایت خوبی است و قسمت سوم یک‌قدری خمود در کار دیده می‌شود. قسمت چهارم در نهایت خوبی است. پس از هرجهت خوب است ان‌شاءالله الرحمن (راوندی، ۱۳۵۴، ج ۲: ۵۹۸).

این‌ها چند نمونه از بیست‌ویک فقره از استخاره‌های محمدعلی شاه است. در این موقعیت‌ها شاه به‌جای بهره‌بردن از نظر خبرگان و کارشناسان جامعه در امور مهمی همچون تبعید روحانیون مشروطه‌خواه چون سید عبدالله بهبهانی و سید محمد طباطبایی و یا چند خطیب معروف مشروطه‌خواه میرزا نصرت‌الله معروف به ملک‌المکلمین، سید جمال واعظ و میرزا جهانگیرخان راه استخاره را پیش می‌گرفت. وی راه مشورت با آگاهان و دلسوزان را به

روی خود بسته بود و تنها با اطرافیان سودجو و چاپلوس نشست و برخاست داشت. بی‌تردید استفاده شاه از استخاره در امور شخصی مانند ختنه فرزند یا واگذاری ملکی به یکی از نزدیکان، به مراتب آسیب کمتری نسبت به دست‌یازی به این سنت در امور مهم کشوری داشت. به نظر می‌رسد حکومت مستبدانه و تصمیم‌های فردی وی به گونه‌ای بود که خود وی نیز برای توجیه اطرافیان و نیز فرار از مسئولیت این تصمیم‌های فاجعه‌آمیز و نیز رهایی از عذاب وجدان بهترین چاره را در دست‌یازی به استخاره و استفاده از ابزار دینی و دادن چهره‌ای ماورایی به تصمیم‌های خود می‌دید. عدم تناسب توان شاه و حیطه اختیارات وی نیز از مسائل قابل‌درنگ در این رویکرد است به گونه‌ای که اگر شاه به اندازه توان عقلی و جسمی خویش در امور دخالت می‌کرد و سایر کارها را مطابق قانون بر عهده نهادهای اجرایی می‌گذاشت و خود را از همراهی آگاهان و خبرگان محروم نمی‌کرد، نیازی به استفاده ابزاری از دین نداشت.

دیگر درباریان و رجال شناخته‌شده دربار در این دوره نیز چون قصد استعفا و یا قبول پیشکاری ولایتی یا منصبی را داشتند راه استخاره را پیش می‌گرفتند. حسین قلی خان نظام‌السلطنه از رجال معروف این دوره و والی ایالات و ولایات مختلف برای قبول پیشکاری استخاره کرد. امین‌السلطان از صدراعظم‌های دوره مظفری هنگامی که برای دومین بار در سال ۱۳۲۱ق پیشنهاد استعفایش را از مشیرالدوله دریافت کرد، برای گرفتن تصمیم نهایی به استخاره روی آورد. وی بعد از شنیدن آیه استخاره، استعفاي خود را تنظیم و به همراه میرزا عبدالله خان پسرش برای شاه فرستاد (نظام‌السلطنه مافی، ۱۳۶۲، ج ۱: ۲۵۷ و ۳۱۴). منتظم‌الدوله که عضو اول دفتر مخصوص شاهنشاهی بود چون نظام‌السلطنه حاکم اصفهان باتوجه به سوابق تبریز می‌خواست به اصرار او را به آنجا ببرد، به حکم استخاره حاضر نشد و به کار خود در دفتر مخصوص ادامه داد (منتظم‌الدوله، ۱۳۷۹: ۲۴).

در سال ۱۳۲۶ق در جلسه‌ای که میان آقایان احتشام‌السلطنه، معاون‌الدوله و آقای قائم‌مقام برای اینکه تصمیم بگیرند در آن شرایط سخت و اتفاقاتی که برای مجلس پیش‌آمده بود در کجا مأمّن بگیرند، با پیشنهاد آقای معاون‌الدوله (محمدابراهیم غفاری) استخاره کردند که بسیار خوب آمد و با درشکه به سوی انجمن اخوت رهسپار گشتند. در

دیگر وقت در ماجرای که برای احتشام‌السلطنه رئیس انجمن معارف در پی دشمنی عده‌ای با او پیش آمد و دشمنان بر او پیروز گشتند، در پی آن بود عریضه برائتی برای شاه بنویسد؛ اما با ممانعت دولت‌آبادی و در آخر تردید احتشام‌السلطنه در اختیار نمودن تصمیم درست به استخاره متوسل گشت (احتشام‌السلطنه، ۱۳۶۷: ۱۴۱؛ دولت‌آبادی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۲۲۷).

در ماجراهای منتهی به مشروطیت و بعد از آن در جاهای گوناگون و در موقعیت‌های مختلف آقای بهبهانی و طباطبایی برای گرفتن تصمیم درست به استخاره متوسل می‌گشتند. در نمونه‌ای در ماجراهای دوران مشروطه‌خواهی، هنگامی که سید محمد طباطبایی در انجام ملاقات با اتابک شک داشت، سرانجام راضی شد که بعد از استخاره با قرآن این کار را انجام دهد. سید مشغول نماز شد و بعد از نماز سجده‌ای طولانی به‌جای آورد و بعد استخاره کرد. آیه مناسبی آمد و سید از مفهوم آن منقلب شده و روانه خانه اتابک شد. همچنین هنگامی که سه ماه پس از دست‌خطی که شاه برای تأسیس عدالت‌خانه صادر کرد، اما عدالت‌خانه ایجاد نشد، آقایان بهبهانی، طباطبایی و آقا شیخ محمد رضا کاشانی برای دیدار با عین‌الدوله که در مسند صدرات بود با پیشنهاد شیخ کاشانی توسل به استخاره پسندیده آمد و آقای طباطبایی استخاره فرمودند (دولت‌آبادی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۴۹؛ ناظم‌الاسلام کرمانی، ۱۳۸۴، ج ۲: ۳۴۳).

## ۲-۴. کارکرد استخاره در امور شخصی

در این دوره استخاره در امور شخصی نیز در بین شاهان، درباریان و مردم عادی رایج بود و این افراد برای آرامش خیال و گرفتن تصمیم درست در امور و غلبه بر تردید خود استخاره می‌کردند. در منابع این دوره گزارش‌هایی از کاربرد استخاره در امور شخصی، مسافرت، بخشیدن خلعت، ختنه‌کردن ولیعهد، واگذاری اتاق‌های حرم‌سرا به کنیزان، استفاده از قطار، ساخت مریض‌خانه، ازدواج، رجوع به طبیب و معالجه و چگونگی رویارویی با راهزنان وجود دارد که در ادامه به برخی از آن‌ها می‌پردازیم:

به گفته منابع ناصرالدین‌شاه زمانی که با تنگدستی مالی روبرو می‌شد و یا هنگام دادن هدیه به دیگران، استخاره می‌کرد. این عمل براساس طرحی از پیش تعیین شده و با استفاده از

کاغذ انجام می‌شد. نام افراد بر روی کاغذهایی نوشته و انتخاب کاغذها با استخاره صورت می‌گرفت و در نهایت فردی که نام او براساس استخاره انتخاب می‌شد هزینه را پرداخت و دیگران معاف می‌شدند. ناصرالدین‌شاه در این مورد و با زیرکی و در ظاهر با تمسک به امری ظاهراً شرعی در پی آن بود که از پرداخت هدیه فرار کند و در این راه موفق بود. همچنین سفر شاه که با خواست سپهسالار و دیگر متجددان دربار ناصری بود و از آنجایی که ناصرالدین سفر به فرنگ را کار بزرگی می‌دانست به همین علت در این امر خطیر متوسل به استخاره شد و برای صدراعظم چنین نگاشت که جناب صدراعظم چون سفر فرنگستان کار عمده‌ای بود، برای تسلی خاطر لازم شد استخاره به قرآن بشود که اگر خوب آمد به‌جد تمام مشغول بشویم، اگر بد آمد که از صرافت بیفتیم. حتی گاه در سفر و بین راه برای امور مختلف به استخاره متوسل می‌شدند (سرنا، ۱۳۶۲: ۹۵؛ ناصرالدین شاه، ۱۳۷۱، ۳: ۴۲۹؛ نواب صفا، ۱۳۶۶: ۲۱).

همچنین پسر تازه‌متولدشده ناصرالدین شاه به‌حکم استخاره نصرت‌الدین میرزا نامیده شد و یا چون شاه قصد گرفتن همسری دیگر داشت برای رسیدن به این نیت استخاره نمود (اعتمادالسلطنه، ۱۳۴۵، ج ۲، ۱۸۷؛ کرمانی، ۱۳۸۴: ۱۴۹). محمدعلی شاه در مورد ختنه سلطان احمد در تاریخ ۱۷ ربیع‌الاول از مجتهد زنجانی استخاره گرفت. همچنین در دیگر موارد محمدعلی شاه به علت نگرانی‌هایی که پس از واقعه منفجرشدن نارنجکی جلوی اتومبیل در راه دوشان‌تپه داشت، برای بیرون آمدن از قصر استخاره می‌کرد (راوندی، ۱۳۵۴، ج ۲: ۵۹۹).

وجیه‌الله میرزا از شاهزادگان دوره ناصری و مظفری هنگامی که تصمیم به ساخت مریم‌خانه‌ای گرفت با وجود مشورت گیری از کارشناسان انجام آن را مشروط به نتیجه استخاره کرد. امیرنظام قراگوزلو از خان‌های همدان و قانون‌گذاران دوره مظفری و محمدعلی شاه و نجم‌الدوله از منجمان مخصوص دربار ناصری و همچنین فسایی نویسنده کتابی درباره موقعیت جغرافیایی فارس در آثار خود به تکرار در امور چون ماندن در ولایتی خاص، استفاده از ترن و یا چگونگی رویارویی با راهزنان، استخاره می‌کردند. امیرنظام قراگوزلو هنگامی که قصد استفاده از قطار را داشت و یا هنگامی که قصد ماندن در مصر را



داشت، استخاره را چاره کار خود دید. سید محمد کمره‌ای از رجال صدر مشروطه در موقعیت‌های مختلف استخاره می‌کرد و در قسمت‌های مختلف سفرنامه‌اش از استخاره در موقعیت‌هایی چون رفتن به حرم حضرت عبدالعظیم، مراجعه به درمانگاه، رفتن به خانه معین‌الاسلام و دیگر موارد خبر داده‌است (قراگوزلو، ۱۳۸۲: ۲۴۵ و ۳۰۸؛ کمره‌ای، ۱۳۸۴، ج ۲: ۹۰۰ و ۹۸۱ و ۱۶۵۳؛ فسایی، ۱۳۸۲، ج ۱: ۶۳۳). در سفر حاج میرزا احمد کرمانی، وی چون بر سر دوراهی ماند، استخاره را راهگشا دانست و با حکم استخاره به طرف بالای کهریزک عازم شد. حتی برای خرید نیز به استخاره رجوع می‌شد. چنانچه محمدحسن خان اعتمادالسلطنه آورده برای خرید برخی از وسایل همچون چکمه، کفش و پتو با رجوع و حکم استخاره، خرید کردم. در موردی دیگر مرحوم محمودخان ملک‌الشعرای ناصرالدین شاه می‌گوید وقتی در نزد یکی از آقایان طباطبایی بودم فردی برای خرید حیوان (خر) به ایشان مراجعه و استخاره نمود (ناظم‌الاسلام کرمانی، ج ۳: ۵۹۷ و ج ۱: ۸۶؛ اعتمادالسلطنه، ج ۷: ۵۹۳۷).

## ۲-۴-۱. کاربرد استخاره در درمان بیماران

یکی از کارکردهای رایج استخاره در آن زمان، استخاره برای درمان و انتخاب طبیب و مصرف دارو بوده‌است. مأموران انگلیسی که در دوره ناصرالدین‌شاه به ایران آمده و در اعتقادات مردم همچون سعد و نحس ایام، طالع‌بینی، استخاره و نمونه‌هایی از این دست دقت داشته‌اند گفته‌اند که در میان این باورها، مردم به گرفتن فال و استخاره اعتقاد بیشتری داشتند و حتی در انتخاب طبیب و هم در مصرف داروی تجویز شده از سوی طبیب، استخاره می‌کردند (آلمانی، ۱۳۳۵: ۵۹۳). با توجه به آنکه از اواخر دوره صفوی توجه به پزشکی و داروسازی کم شده و اطلاعات دقیقی از اوضاع پزشکی از این زمان تا اوایل دوره قاجار در دست نیست، عطاران دوره قاجار با مراجعه به کتاب‌های طب سنتی و بیش از همه *تحفه المؤمنین*، نگاشته محمد مؤمن حسینی دیلمی طبیب شاه سلیمان برای بیمارانشان دارو تجویز می‌کردند. عطاری‌ها معمولاً دکان‌هایی بودند که در ابتدا عطر و بخور می‌فروختند و بعدها با افزوده شدن گل و ادویه به صورت داروخانه درآمدند. در این زمان پزشکی و داروسازی با خرافات همراه و برخی عطاران با استخاره و باز کردن سرکتاب، دارو می‌دادند

(شهری‌باف، ۱۳۸۳، ج ۲: ۱۳۸).

خانواده‌ها برای مداوای پسری که به مالاریا مبتلا شده استخاره می‌کردند. بیماران دیگر نیز برای مراجعه به طبیب و خوردن دارویش استخاره می‌کردند. هنگامی که مادر مظفرالدین‌شاه به علت بیماری آنفولانزا در بستر بیماری بود برای مداوایش شش طبیب ایرانی و خارجی فراخواندند و چون بین آن‌ها در شیوه درمان اتفاق نظر نبود با استخاره طبیبان خارجی حذف و عطاران ایرانی مشغول مداوا شدند (فورویه، ۱۳۸۵: ۲۴۱؛ لایارد، ۱۳۹۷: ۶۳). بیماری از جمله مسائلی بود که با توجه به خطر افتادن جان نزدیکان و عزیزان، به‌ویژه فرزندان در اثر آن، از ریسک بالایی هم برای درمان‌گران و هم پدر و مادر، اولیا و بستگان بیمار برخوردار بود و امکان داشت تصمیم یا درمانی نادرست، جان فرد بیمار را به خطر اندازد. از این‌رو، استخاره به‌مثابه امری آرامش‌بخش، همگام و همراه با درمان محل توجه خاص و عام بود. البته عدم یا کمبود دسترسی به درمان کافی و مناسب نیز از جمله عواملی بود که مردمان بیمار یا بیمار داران دردمند را ناگزیر از پناه‌بردن به برخی مظاهر دین‌داری عامیانه، از جمله استخاره می‌کرد. مهدی‌قلی خان هدایت که با سمت پیشخدمت خاص ناصرالدین‌شاه وارد خدمات دولتی شده بود و بعدها به ریاست اداره پست و گمرک تبریز رسیده و در دوره‌ای ریاست مدرسه علمیه را عهده‌دار شد در برخی از صفحات کتاب خود به استخاره‌های خود اشاره کرده‌است. یکی از این موارد استخاره وی به هنگام مریضی سختش در تبریز و معالجه به دست میرزا محمد کنی است. در جایی دیگر محمدحسن خان اعتمادالسلطنه در هنگام بیماری به دو سه نفر طبیب استخاره کرده‌است. میرزا ابوالقاسم سلطان‌الحکما خوب آمد و به حکم استخاره میرزا ابوالقاسم معالج او شد (هدایت، ۱۳۸۵: ۱۳۸). در علاج طفل بیماری برای قبول یک طبیب برای درمان طفل با استخاره و خوب آمدنش طبیب مور نظر به معالجه پرداخت. استخاره در هنگام بیماری این‌گونه بود که فرد بیمار که قصد داشت نسخه‌ای از طبیب بگیرد، ابتدا از خدا شفای خود را می‌طلبید و سپس استخاره می‌گرفت. او ابتدا نیت و سپس قرآن را باز و بر آیه اول نگاه و اگر آیه موافق بود دارو را به کار می‌برد و اگر آیه موافق نبود دارو را مصرف نمی‌کرد. یا اینکه تسبیحی به دست می‌گرفت و چشم‌هایش را می‌بست و آن را شمرده و براساس دانه‌های باقی‌مانده تصمیم به استفاده می‌گرفت و حتی گاه به یکبار استخاره بسنده نمی‌کرد. این امر تنها ویژه

بیماران نبود و طبیبان نیز برای معالجه و نوشتن نسخه استخاره می‌کردند. براساس گزارش‌ها ارفع‌الدوله از طبیبان دوره ناصری و حکیم حاج ملا آخوند و حکیم طالقانی و عین‌السلطنه در معالجه بیماران خود استخاره می‌کردند. شیوه معالجه ارفع‌الدوله به این شکل بود که نبض بیمار را می‌گرفت، فکر می‌کرد و استخاره می‌گرفت که خدایا صلاح است فلان دارو را به این بنده بدهم یا خیر و اگر استخاره بد بود، آن قدر استخاره را برای داروهای دیگر ادامه می‌داد تا تجویز دارو خوب بیاید. عین‌السلطنه نیز در مورد انتخاب روش درمانی یکی از بیماران آورده که پشت گوش بیمار را زالو انداختیم و به حکم استخاره برای معالجه بیمار میرزا موسی حکیم باشی خوب آمد (ارفع‌الدوله، ۱۳۴۵: ۹؛ عین‌السلطنه، ۱۳۷۴، ج ۲: ۳۹۰۱؛ شهری‌باف، ۱۳۸۳، ج ۱: ۲۷۱)

با وجود اینکه منابع داخلی و سفرنامه‌ها به‌صورت کلی از رواج استخاره در بین مردمان این دوره خبر داده‌اند و آن را در اموری مانند ازدواج، نیک و بد بودن سال نو، خشک‌سالی، دیدار با حاکمان یا کارگزاران حکومتی رایج دانسته‌اند تنها به شرح استخاره درباره بیماری‌ها بسنده کرده‌اند و گزارش مبسوطی از رواج آن در عرصه‌های یاد شده ارائه نداده‌اند.

رنج و عذاب و درگیری با بیماری و ناشناخته بودن علت و چگونگی درمان آن در کنار اوضاع و شرایط بد زندگی فردی و اجتماعی، ترس و فشارهای محیطی، سبب می‌شد که فرد راهی برای گریز یا بهروزی پیدا نکند و در این شرایط گرایش به امور دیگر به‌عنوان راهی برای کاهش آلام و مصیبت‌ها به‌حساب می‌آمد. از طرفی گرفتاری جامعه در جهل و ناآگاهی از ساختار بدن و بی‌اطلاعی از پیشرفت‌های علم پزشکی و عدم دسترسی به تجهیزات مناسب، سبب می‌شد که برخی عقاید عامیانه در اولویت قرار بگیرند و بر درمان مقدم شمرده شوند. به بیان دیگر به هراندازه که انسان از درک حقایق، پیدا کردن رابطه منطقی میان پدیده‌ها و یافتن رابطه علت و معلولی ناتوان و عاجز باشد، به همان اندازه دچار شک و عدم تشخیص بین درست و نادرست می‌شود. در نتیجه، از آنجایی که همه امور در دست خداوند است هرگونه تصمیم به مصرف دارو با مشورت قرآن انجام می‌شد (هدایت، ۱۳۸۱: ۲۲؛ جاهودا، ۱۳۷۱: ۲۱۸).

عدم درک فلسفه و مفهوم استخاره شرعی و انحراف در کاربرد آن، که نشان از گرفتاری

در چنبر جهل و نادانی دارد با همراهی عوامل مختلف سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی راه به جایی برد که مراجعه به طبیب، تجویز نسخه و مصرف دارو بستگی به نتیجه استخاره داشت و جالب اینکه نهادهای دینی دوران به تضاد آشکار این امور با دین رسمی و نیز سنت پیامبر و امامان نپرداخته‌اند.

### نتیجه‌گیری

برخورد مستقیم با استخاره گرفتن به‌مثابه یک سنت دینی، ما را به مجموعه‌ای از مقولات و مفاهیمی می‌رساند که با کنار هم قرار دادن آن‌ها به نوع خاصی از دین‌داری می‌رسیم که با خصوصیات دین‌داری عامیانه همسان است. این دین، با معنا بخشیدن به مسائل زندگی روزمره در قالب عقاید دینی در پی یافتن راه‌حلهایی با رنگ‌وبویی دینی برای همه مسائل عقلانی و غیرعقلانی زندگی است. از سوی دیگر استفاده مکرر از مظاهر دین‌داری عامیانه با رنگ‌وبوی دینی و ظاهری مقدس‌مآبانه سبب می‌شود که این باور عامیانه، به باور دینی تبدیل شود و بدعت‌ها و شبهات متعدد دینی و دیگر ابهامات به بدنه دین تزریق شود.

از عهد ناصرالدین شاه تا پیروزی و استقرار مشروطه را باید دوره‌ای نامید که ایران در معرض بسیاری از مسائل و تصمیمات بین‌المللی بود. تصمیم‌سازی که هر روز با حرکت یا دیدگاه تازه‌ای در عرصه بین‌المللی مواجه بودند، به سبب ناآگاهی یا عدم درک درست، دقیق و واقعی آنچه حقیقتاً در این عرصه می‌گذشت و اطلاع از پشت پرده آن، ناگزیر بودند اولاً ریسک تصمیمات خود را کاهش دهند و از این جهت خود را از خطر خشم شاه برهانند و یا آنکه مانند خود شاه، تصمیماتشان را منبعث از سخن خداوند نشان دهند تا کسانی را که تحت تأثیر آن تصمیمات قرار می‌گیرند، آرام نگاه دارند؛ به‌ویژه اینکه توده مردم به نوعی خاص از دین‌داری که همانا عامیانه خطاب تواند شد، خو گرفته و استخاره به‌مثابه یکی از مظاهر این نوع دین‌داری و نشانگر فی‌المثل توکل تصمیم‌سازان به خداوند، مانعی در برابر برتئایدن توده مردم یا حفاظی در برابر تسلط معنوی روحانیون عمل می‌کرد. با رجوع به اطلاعات و استخاره‌های صورت‌گرفته به‌خصوص استخاره‌ها در موقعیت‌های مهم نشان داد این استخاره‌ها به‌مثابه سنت اصیل دینی نبوده و به نوعی راه‌حلی برای حفظ موقعیت و

منافع و تسلی خاطر خود بوده‌است. تنها موارد محدودی همچون استخاره‌ها در جریان انقلاب مشروطه و پس از آن به نوعی جزء کاربری مثبت استخاره و تحریف‌نشده به شمار می‌آمده‌است. از نکات مهم اینکه در هر دوره زمانی سلطنت این شاهان، استخاره‌ها با محتوای متفاوتی از دوره پیشین انجام نمی‌شد. بلکه استخاره‌ها در موضوعاتی شبیه به هم صورت می‌گرفت و با گذر زمان محتوای آن‌ها تغییری نمی‌کرد، اما میزان و شدت این استخاره‌ها، بنا بر اعتقاد شاه متغیر بود، چنانچه محمدعلی شاه براساس اعتقاد و شرایطی که بر جامعه آن عصر حکم فرما بود، بیشترین استخاره‌ها را در موضوعات مختلف انجام داد. استخاراتی که برای شاه انجام می‌شد، نه برطبق دستور و سنت دینی، بلکه گاه براساس خواست شخص شاه و گاه براساس منفعت و خواست دیگر درباریان تفسیر می‌شد.

عموم مردم نیز با توجه به محدود بودن دامنه ارتباطات، بی‌سواد، خستگی و پریشان‌حالی و نیازهای روحی، عدم اعتقاد به علم پزشکی و کم‌توجهی به این علم، تأیید این امور از سوی نهاد حکومتی، به استخاره به‌عنوان تکیه‌گاهی مطمئن، متوسل می‌شدند. آنان استخاره را کلام خدا دانسته و حجت تلقی می‌کردند و از این طریق آرامشی به دست آورده و دیگران را نیز قانع می‌کردند. در این موقعیت هیچ‌کس مسئولیت کارهای خود را بر عهده نمی‌گرفت به صورتی که موفقیت یا شکست در میان آن‌ها با برنامه و هدف‌گذاری فردی حاصل نشده، بلکه در چنین جامعه‌ای استخاره (کلام خدا) سبب پیروزی یا شکست بوده‌است.

## منابع و مأخذ

## کتاب‌ها

- قرآن کریم.
- آلمانی هانری، رنه د (۱۳۳۵). *سفرنامه از خراسان تا بختیاری*، تهران: امیرکبیر.
- ابن اثیر، مجدالدین (۱۳۶۴). *النهاییه فی غریب الحدیث*، تحقیق طاهر احمد الزاوی و محمود الطناحی، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- ارفع الدوله، رضا خان (۱۳۴۵). *ایران دیروز (خاطرات پرنس ارفع الدوله)*، تهران: وزارت فرهنگ و هنر.
- احتشام السلطنه، محمود (۱۳۶۷). *خاطرات احتشام السلطنه*، کوشش سید محمد مهدی موسوی، تهران: زوار.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن (۱۳۴۵). *روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه*، کوشش ایرج افشار، تهران: امیرکبیر.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن (۱۳۹۰). *روزنامه خاطرات*، تهران: امیرکبیر.
- افشاری، پرویز (۱۳۸۳). *نخست‌وزیران سلسله قاجار*، تهران: مرکز اسناد و خدمات پژوهشی وزارت امور خارجه.
- بامداد، مهدی (۱۳۷۴). *شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ هجری*، تهران: زوار.
- بکفورد، جیمز (۱۳۸۹). *دین و نظریه اجتماعی*، ترجمه مسعود آریایی نیا، تهران: دانشگاه امام صادق.
- جاهودا، گوستاو (۱۳۷۱). *روان‌شناسی خرافات*، تهران: البرز.
- دولت‌آبادی، یحیی (۱۳۷۱). *حیات یحیی*، تهران: عطار.
- راوندی، مرتضی (۱۳۵۴). *تاریخ اجتماعی ایران*، تهران: امیرکبیر.

- ردرن، دنیزی و مایکل (۱۳۷۳). *علم و نابخردی*، ترجمه آریتا قدسی، تهران: انجمن فیزیک ایران.
- سالور، قهرمان میرزا (۱۳۷۴). *روزنامه خاطرات عین السلطنه*، کوشش ایرج افشار و مسعود سالور، تهران: اساطیر.
- سپهر، عبدالحسین (۱۳۸۶). *موات الوقایع مظفری*، مصحح عبدالحسین نوایی، تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
- سرنا، کارلا (۱۳۶۲). *سفرنامه کارلا سرنا آدما و آیینها در ایران*، ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران: زوار.
- سریع‌القلم، محمود (۱۳۸۰). *عقلانیت و توسعه یافتگی ایران*، تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات.
- شهری باف، جعفر (۱۳۸۳). *تهران قدیم*، تهران: معین.
- صفایی، ابراهیم (۱۳۶۳). *رهبران مشروطه*، تهران: جاویدان.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۵). *تهذیب الاحکام*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- عین السلطنه (۱۳۷۴). *روزنامه خاطرات عین السلطنه*، کوشش ایرج افشار و مسعود سالور، تهران: اساطیر.
- غفاری کاشانی، احمد بن محمد (۱۴۰۴). *تاریخ نگارستان*، مصحح مرتضی مدرس گیلانی، تهران: کتاب‌فروشی حافظ.
- فسایی، حسن بن حسن (۱۳۸۲). *فارسنامه ناصری*، تهران: امیرکبیر.
- فورویه، ژوانس (۱۳۸۵). *سه سال در دربار ایران (۱۳۰۶-۱۳۰۹ ق)*، ترجمه عباس اقبال آشتیانی، تهران: نشر علم.
- قراگوزلو همدانی، عبدالله بن مصطفی قلی (۱۳۸۲). *مجموعه آثار حاجی عبدالله خان قراگوزلو امیرنظام همدانی*، مصحح عنایت‌الله مجیدی، تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.

- کرمانی، علویه (۱۳۸۶). *روزنامه عتبات عالیات و دربار ناصری*، مصحح رسول جعفریان، قم: مورخ.
- کمره‌ای، محمد (۱۳۸۴). *روزنامه خاطرات سید محمد کمره‌ای*، گردآورنده محمدجواد مرادی نیا، تهران: اساطیر.
- لایارد، اوستین هنری (۱۳۹۷). *سفرنامه لایارد، ماجراهای اولیه در ایران*. ترجمه مهرباب امیری، تهران: دنیای کتاب.
- مستوفی، عبدالله (۱۳۸۴). *شرح زندگانی من، تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه از آقا محمدخان تا آخر ناصرالدین‌شاه*، تهران: زوار.
- منتظم الدوله، محمد (۱۳۷۹). *خاطرات منتظم الدوله، کوشش محمود رنجبر فخری و سید جمال ترابی طباطبائی*، تبریز: سرخاب.
- موسی‌پور، ابراهیم (۱۳۹۵). *دین زیسته و زندگی روزانه پژوهشی در فرهنگ دینی مردم عادی ایران از آغاز عصر صفوی تا پایان دوره قاجار*، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.
- ناصرالدین شاه (۱۳۷۱). *روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه در سفر سوم فرنگستان*، کوشش اسماعیل رضوانی و فاطمه قاضیها، تهران: مدیریت پژوهش و انتشارات سازمان اسناد ملی ایران.
- نجفی، محمدحسن (۱۳۶۵). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- نظام‌السلطنه مافی، حسین قلی (۱۳۶۲). *خاطرات و اسناد حسین قلی خان نظام‌السلطنه مافی*، تهران: تاریخ ایران.
- نواب صفا، اسماعیل (۱۳۶۶). *شرح حال فرهاد میرزا معتمدالدوله*، تهران: زوار.
- وهوسه، بابن (۱۳۶۲). *سفرنامه جنوب ایران*، ترجمه محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، تصحیح میرهاشم محدث، تهران: دنیای کتاب.
- هدایت، صادق (۱۳۸۱). *فرهنگ عامیانه مردم ایران*، تهران: نشر چشمه.



— هدایت، مهدی‌قلی (۱۳۸۵). *خاطرات و خطرات*، تهران: زوار.

#### مقاله‌ها

- خالق پناه، کمال و جلوند، اختر (۱۳۹۴). دین عامه، ناکامی‌های عینی و استراتژی زنانه امیدواری: مطالعه تجربه دعانویسی در شهر سنندج، *پژوهش‌نامه مددکاری اجتماعی*، ۲(۴)، ۳۲-۱. Doi:10.22054/rjsw.2015.7064
- طالبی، ابوتراب و سلامی، احمد (۱۳۹۵). دین‌داری عامیانه: واکاوی عریضه‌نویسی برای چاه جمکران از منظر عریضه‌نویسان، *فصلنامه علوم اجتماعی*، ۲۳(۷۲)، ۷۳-۱۰۷. Doi:10.22054/qjss.2016.5710
- علیزاده بیرجندی، زهرا و ناصری، اکرم (۱۳۹۸). باز روایت تاریخ فرهنگی- اجتماعی دوره قاجار بر مبنای اشعار عامیانه آن دوره، *فصل‌نامه علمی تاریخ نامه ایران بعد از اسلام*، ۱۰(۲۴)، ۱۴۵-۱۶۹. Doi:10.22034/jiiph.2020.12328

#### منابع انگلیسی

- Kapal, J (2006). *Text context and performance*, Boston: Brill.
- Long, Charles H (1987). *popular religion, the encyclopedia of religion*, edited by Mircea Eliade, New York: Macmillan
- Show, D (1999). *Understanding folk religion*, Paris: Baker Academic,
- Vrijhof (1979). *Official religion and popular religion, Analysis of theme for religious studies*, Edited by Pieter Hendrik and Jacques waardenburg, Paris-Newyork: mouton publishers.